

چرا مذهب شیعه را انتخاب کردم

(۲)

* فرقهٔ سومراه !

مؤلف در مقام تنفر و انزجار از عقاید افراطی فرقهٔ وهابیه چنین می گوید : ما از دور می شنیدیم که فرقه‌ها بیه‌بیمه تمام احکام اسلامی عمل نموده ، حدود شرعی را دور مردمتخلفین کاملاً اجراء می کنند ؟

تا اینکه مسافرتی برای من بجزایز پیش آمد ، این مسافرت فرصت مناسبی بود برای اینکه بی‌شعاع اجتماع و عقاید افراطی آنان از نزدیک آشنا شوم ، در ضمن بر رسیهای دقیق و کاوشهای بی‌گیری که در طول مدت اقامت در حجاز نمودم حقایق تلخی برای من روشن شد و کمالات با فتنه که همه آن خبرها که از دور می شنیدیم خالی از حقیقت بوده بلکه اعمال و افعال ناشایست و فتنه‌آویز نادرس علمای آنها کینه و عداوت زیاد از حد آنان با خاندان رسالت و خراب کردن قبور آنان در حقیقت قیافهٔ پاک اسلام را لکه دار کرده است .

در کینه تیزی و عداوت فوق العاده آنها همین کفایت می کند که تصمیم گرفته بودند ضریح مقدس نبی اکرم را بتوان اینکه با عقاید خرافی آنها مطابقت ندارد از بین ببرند ولی چون با مخالفت سر بیج و جدی جهان اسلام رو برو شدند از انجام این عمل ناروا موقتاً منصرف شدند . عقاید این فرقه که توسط شخصی بنام محمد بن عبدالوهاب (۱۱۶۱ - ۱۲۰۶) پایه گذاری شده است مخالف تمام فرق اسلامی بوده تا آنجا که بعضی از افراطیون آنها دیگران را کافر دانسته و ریختن خون آنان را جایز میدانند . *تال جامع علوم انسانی*

استرام بگذشتگان حتی بیسامبران و امامان و پیشوایان گرامی اسلام را نیز حرام می شمارند ایجاد بنا ، در روی قبور پاک آنها و زیارت و توسل با آنان را خلاف شرع دانسته و در این عقیده پشدری راه افراط رفته اند که گذاشتن دست بر روی قبر ائمه اطهار و بوسیدن و تبرک جستن با آنها را از روی می دانند که شرک می آورد .

* شیعه کیست ؟

سپس این دانشمندی در معرفی شیعه و عقاید او چنین می گوید :

« شیعیان کسانی هستند که پیوندناگسستی با خاندان رسالت داشته و میر و علاقه و آفری نسبت با همه اظهار و بزرگان دین اسلام در دل خود احساس می کنند و خلافت و حکومت را حق خاندان عصمت و کسان می دانند که متکی بوحی باشند و برای احراز مسند مهم خلافت صلاحیت و شایستگی کافی داشته باشند و همین عقیده در امتیاز کامل این فرقه از سایر فرقه‌های مختلف اسلامی کافی است .

پروان مذهب شیعه اعتقاد کامل بیکانگی خداوند بزرگ ، عدل و سایر صفات کمال الهی داشته ؛ و ذات مقدس را از هر گونه نقص و احتیاجی مبرا می دانند و پیامبر گرامی را فرستاده وی دانسته و سخنان کربار او و جانشینان را با جان و دل پذیرفته و در عمل با احکام و واجبات دینی کوشا می باشند .

تشیع تشیع مذهب حق است که دلائل و شواهد بسیاری از کتاب و سنت از عامه و خاصه بر صحت و درستی عقاید آن وارد شده است که بعضی از آنها را در طی بحثهای آینده بطور مبسوط ذکر خواهیم کرد .

سپس در اثبات مدعای خود چنین می گوید : روایتی از نبی اکرم (ص) نقل شده است که عامه و خاصه آنرا قبول دارند و آن اینکه : « بعد از من در آینده نزدیک امت اسلامی ۷۳ فرقه می شوند و تمام آن‌ها جز یک فرقه در گمراهی و ضلالت می باشند . » (۱)

حال اگر بگوئیم همه امت اسلامی که پروان دین اسلام می باشند در جاده حق نبوده همه آنها در ضلالت و گمراهی می باشند مسلماً حدیث را نشکرده ایم پس ناچار باید اذعان کرد نهایتاً مذهب از میان این مذاهب گوناگون حق بوده و دارای عقاید صحیح و درست می باشد و آن مذهب بنظر من جز مذهب امامیه که علاقه بی پایانی بخاندان وحی دارند و توالی و تبری را جزو واجبات دینی خود می دانند نمی تواند باشد .

با این وصف آیا روایت تهیه‌های نابجائی بر شیعیان زده تا آنجا که بعضی از پیغمبران آنها را کافر خطاب کنند ؟

آیا صحیح است که بگفته معتزل (ابن تیمیه) این حجر و حنوفی و موسی جاراج و احمد امین و جبهانی و ... بدون تحقیق و رسیدگی کامل با روی حق و وجدان گذارده و با قلم‌های زهر آگین خود ، نسبت‌های ناجوانمردانه و ناروایی مذهب شیعه بدهند و آنها را بتبرست بخوانند ؟ !

حتی بعضی از معتسبین از آنها مثل شیخ نوح مجرم در ضمن فتوای طولانی خود علناً شیعه را

(۱) « سفری امتی علی ثلاث وربعین فرقه کلهانی النار الا فرقه واحده . »

کافر خوانده و قتل شیعیان و اسیر کردن زنان آنها و غارت نمودن اموالشان را واجب می دانند !! لابد هر خواننده‌ای با خواندن این جملات پیش خود سؤال می کند که گناه شیعه چه بوده که مورد حملات سخت یک عده از دشمنان متعصب قرار گرفته اند .

در جواب این سؤال متأسفانه باید گفت که تنها گناه شیعه در این است که برخلاف هیچ یک از خلفا غیر از خلافت ائمه اطهار و پیشوایان معصوم خود عقیده ندارند و همین عقیده مقدس ، گناه بزرگ شیعیان می باشد !!

و گرنه به اندازه تحقیق و بررسی فراوان بر من ثابت شده است که شیعیان که عده آنها متجاوز از ۹۰۰ میلیون نفر می باشند و در اقطار مختلف عالم و بخصوص در ممالک اسلامی پخش شده اند افرادی معذب و دارای عقاید صحیح بوده و از میان آنها دانشمندان بزرگ از فقها و فلاسفه و متکلمین و متفکرین حتی شعراء و ادبا و منجمین و اشیاء ظهور کرده که واقفاً افتخار عالم اسلامی است بدانها . این گفتمار صرف ادعائست ، یکم مطالبه مختصر در کتاب (الذریعة الی تصانیف الشیعه) (۱) که اخیراً منتشر شده است گفتار بالا را بخوبی ثابت می کند .

(۱) این کتاب تألیف علامه و محقق عالمی آقای حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی است

بقیه از صفحه ۴۴

اطهار بدین اسلام تشریف یافت و این کیش را پذیرفت . یعنی مذهبی را قبول کرد که روزی بین علوم افراد در جهانی نوین و در زیر فلکی نوین ، صلح و صفا برقرار خواهد نمود .

از حسن خاتون در عالم رؤیا امام جوان را زیارت می نماید ، تا نامردی را که نصیب او شده برود بشتابد ... در این موقع حضرت مسیح علیه السلام (دختر خود) را بدختر حضرت محمد (ص) می دهد و آن گاه در اعماق وجود این زوج و زوجه جوان الهام ربانی انجام می پذیرد .

برای وسایل و اسباب این دو همسر پاک چند سالی پیش وقت لازم نبود ، و پس از آن نوحس برای پیوستن با نامزد خود یعنی با امامی که در عالم رؤیا دیده بود ، به طبیب خاطر رضاداد ، جزء اسیران به بازرگانی که با کشتی بجاناب « بهرانس » آمده بود فروش برسد . از این وصلت فرزندی قدم به مرصه وجود نهاد ، فرزند و اسرار آمیز که مخالفین او حتی وجود او را نیز منکر می گردند . . .

هنگامیکه پدر جوانش جهان را بدرد گشت وی فقط پنج با شش سال داشت ، و در این هنگام مسوولیت‌های خطیری را بر عهده گرفت و برای ایفای وظائف قلبی با معرفت و وجدانی که فقط فرشتگان و ملائک خفی در ورای حجاب وجود کودکی خردسال قادر بر اجرای آنند ، به معاصدت پرداخت و سپس در پی برده غیب نهان گشت و قدم در عالم اوضاع و احوالی اسرار آمیز نهاد . (۱)

(۱) روزنامه آذربایجان چاپ تهران .